

Comparative study of judicial annulment in Iranian and French law

Abbas Karimi⁻, Ghazaleh Sahranavard[—]

Abstract:

Based on the legal status of a contract, it may be subject to one of the following conditions: validity, invalidity, corruption, non-existence, non-influence. Some of these legal situations may turn into new situations; Among other things, if a valid contract is annulled by the judgment of a judicial authority, it means that it becomes a void contract. In French law, judicial annulment is accepted as a general rule (with one exception) in cases where the legal action is subject to the status of nullity (both absolute and relative); However, in Iranian law, there is no such necessity in invalid legal acts, and in general, the annulment of a valid legal act by the judgment of a judicial authority is considered an exceptional matter, and it is realized only in cases of future property and annulment of official documents. Therefore, with a comparative study of the two legal systems of Iran and France, we will find that although the institution of "judicial annulment" is the same in nature in both systems and as a result, some of its effects are common, but the difference in the examples has caused specific effects, the most important of which is the regressive effect of judicial annulment in French law, while in Iranian law, the annulment effect looks to the future and does not spread to the past.

Keywords: Authenticity, French law, Invalidity, Iranian law, Judicial annulment.

⁻ Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

[—] PhD Student, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Corresponding author: sahranavard@ut.ac.ir



مطالعه تطبیقی ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

عباس کریمی^۱، غزاله صحرانورد^۲

چکیده

به حکم وضعی یک قرارداد، وضعیت حقوقی قرارداد می‌گویند و بر این اساس قرارداد ممکن است مشمول یکی از وضعیت‌های صحت، بطلان، فساد، عدم وجود، عدم نفوذ موقوف و عدم نفوذ مراعی باشد. برخی از این وضعیت‌های حقوقی ممکن است به وضعیت‌های جدیدی تبدیل شوند؛ از جمله اینکه عقدی صحیح به حکم مقام قضائی ابطال گردد، یعنی به عقدی باطل تبدیل شود. در حقوق فرانسه ابطال قضائی در مواردی که عمل حقوقی مشمول وضعیت بطلان (اعم از مطلق و نسبی) است به عنوان قاعده‌ای عمومی (با یک استثنا) مورد پذیرش واقع شده است؛ حال آنکه در حقوق ایران چنین ضرورتی در اعمال حقوقی باطل وجود ندارد و به طور کلی ابطال عمل حقوقی صحیح با حکم مقام قضائی، امری استثنایی محسوب و منحصرأ در مواردی از معاملات غیرنافذ مراعی و ابطال اسناد رسمی محقق می‌شود. لذا با مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی ایران و فرانسه خواهیم یافت که اگرچه نهاد «ابطال قضائی» در ماهیت در هر دو نظام یکسان است و در نتیجه برخی از آثار آن مشترک است، اما تفاوت در مصادیق موجب شده تا این نهاد در هر یک از این نظام‌ها آثار اختصاصی نیز به همراه داشته باشد که مهم‌ترین آن در اثر قهقرایی داشتن ابطال قضائی در حقوق فرانسه جلوه می‌کند، در حالی که در حقوق ایران اثر ابطال، ناظر به آینده است و به گذشته سرایت نمی‌کند؛ بنابراین از این جهت اثری شبیه به انفساخ بر آن بار می‌شود.

واژگان کلیدی: ابطال قضائی، بطلان، حقوق ایران، حقوق فرانسه، صحت.

^۱ - استاد، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
abkarimi@ut.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

Gh.sahranavard@ut.ac.ir

مقدمه

در تمام نظام‌های حقوقی دنیا برای اعتبار و صحت روابط حقوقی، قواعدی وضع شده است که رعایت نکردن آن‌ها به وضعیت حقوقی رابطه خدشه وارد می‌کند؛ بنابراین اگرچه هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است، اما در برخی موارد ممکن است عمل حقوقی صحیحی به دلیل عدم رعایت قواعد حقوقی باطل شود؛ به عبارت دیگر در صورتی که به حکم مقام قضائی و به دلیل حمایت از ذی‌نفع (متضرر احتمالی) و در نتیجه اراده صریح یا ضمنی او (که ممکن است از اطراف قرارداد باشد یا شخص ثالث)، قراردادی صحیح به باطل تبدیل شود، ابطال قضائی قرارداد رخ خواهد داد. مشخصه اصلی ابطال قضائی عبارت است از اینکه: یکم- عقدی به صورت صحیح و با رعایت شرایط اساسی رکنی تشکیل شده و دوم- برای از درجه اعتبار ساقط کردن آن، صدور حکم قضائی مرجع صلاحیت‌دار ضروری است.

در حقوق فرانسه از دیرباز دخالت مقام قضائی و حکم به ابطال معامله به عنوان قاعده‌ای عمومی در تمامی مواردی که عمل حقوقی باطل (اعم از مطلق و نسبی) است، به عنوان یک ضرورت پذیرفته شده است و تنها در اصلاحات سال ۲۰۱۶ قانون مدنی این کشور در بخش تعهدات است که قانونگذار «توافق طرفین» را به عنوان استثنایی بر این قاعده وارد کرده است؛ اما در حقوق ایران در مواردی که عمل حقوقی مشمول وضعیت بطلان است، ضرورتی به دخالت مقام قضائی برای ابطال آن وجود ندارد و صرفاً ممکن اعلام بطلان معامله از دادگاه خواسته شود. به طور کلی می‌توان گفت تبدیل یک عمل حقوقی صحیح به باطل در حقوق ایران امری نامانوس است و به طور استثنایی مصادیق آن یافت می‌شود؛ به عبارت دیگر برخلاف نظر عده‌ای که به عنوان قاعده‌ای عمومی وضعیتی تحت عنوان «قابلیت ابطال» در اعمال حقوقی را مورد پذیرش قرار داده‌اند، چنین وضعیتی در حقوق ایران قابل شناسایی نیست و به صورت حصری، ابطال قضائی در مواردی از وضعیت عدم نفوذ مراعی و همچنین ابطال اسناد رسمی قابل مشاهده می‌باشد که در ادامه خواهد آمد. بنابراین در این نوشتار درصدد هستیم به مطالعه تطبیقی نهاد «ابطال قضائی» در حقوق ایران و فرانسه بپردازیم تا وجوه اشتراک و افتراق آن را در این دو نظام حقوقی مشخص کنیم.

در راستای تبیین مسئله موضوع این مقاله، نخست به منظور تقریب ذهن خواننده به موضوع و شناخت نهاد «ابطال قضائی» در نظام حقوقی ایران و فرانسه، به بررسی مفهوم و مصادیق آن در این دو نظام خواهیم پرداخت (مبحث یکم)، سپس آثار اشتراکی و اختصاصی ابطال قضائی را در این دو نظام مطرح خواهیم کرد (مبحث دوم).

۱. مفهوم و مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

شایسته است در جهت تبیین بهتر و آشنایی خواننده با موضوع، ابتدا مفهوم ابطال قضائی را با توجه به عناصر تشکیل دهنده آن، بیان کنیم و وجوه اشتراك و افتراق آن را با سایر مفاهیم مشابه مشخص نماییم، سپس به بررسی مصادیق این نهاد در هریک از نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه بپردازیم.

۱-۱. مفهوم ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

در این بند تعاریف موجود از «ابطال قضائی» در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بیان خواهد شد و سپس به تمییز آن از مفاهیم مشابه خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱. تعریف ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

در ترمینولوژی حقوق، ابطال به معنای از درجه اعتبار ساقط کردن، نابود کردن، و از کار انداختن آمده و در اصطلاح عبارت است از نابود کردن يك عمل یا واقعه حقوقی و هر چیزی که دارای ارزش حقوقی باشد از جمله ابطال عقد، ابطال ثبت، ابطال دادخواست، ابطال سند و... (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۲۷۶) در حقوق موضوعه از اصطلاح ابطال بیشتر در بحث عقود و قراردادها صحبت شده است؛ در این راستا ابطال عقد، بدین معناست که يك مقام قضائی از درجه اعتبار ساقط شدن يك عقد بدهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۰). با این توضیح که به حکم وضعی يك قرارداد، وضعیت حقوقی قرارداد می‌گویند و براین اساس قرارداد ممکن است مشمول یکی از شش وضعیت صحت، بطلان، فساد، عدم وجود، عدم نفوذ موقوف و عدم نفوذ مراعی باشد. در این میان در صورتی که به حکم مقام قضائی و به دلیل حمایت از متضرر احتمالی و در نتیجه اراده او، قراردادی صحیح به باطل تبدیل شود، ابطال قضائی قرارداد رخ خواهد داد.

در حقوق فرانسه نیز ابطال^۱ به معنای از بین رفتن آثار یک عمل حقوقی ناشی از تصمیم دادگاه می‌باشد؛^۲ با این توضیح که در این نظام، ابطال و دخالت مقام قضائی در تمامی مواردی که عمل حقوقی باطل (اعم از مطلق و نسبی) است ضروری می‌باشد و عقد خود به خود باطل نمی‌شود، بلکه بطلان آن باید توسط دادگاه اعلام گردد. (در ادامه خواهد آمد)

در نتیجه می‌توان گفت ابطال به عمل قضائی گفته می‌شود که به وسیله آن معامله صحیحی در نتیجه اراده صریح یا ضمنی هر يك از طرفین معامله یا شخص ثالث یا به تقاضای هر يك از آنها و به موجب رأی دادگاه به معامله باطل تبدیل می‌شود. رأی دادگاه ممکن است مستقیماً ناظر بر ابطال معامله باشد و

1. Annulation

2. Dictionnaire du Droit Privé, available at:

<https://www.dictionnairejuridique.com/definition/annulation.php>.

یا ابطال معامله از آثار حکم قرار گیرد (طالب احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

۱-۱-۲. تمییز ابطال قضائی از مفاهیم مشابه

در این قسمت به تمییز ابطال قضائی از سه مفهوم «بطلان»، «رد در عدم نفوذ» و «انفساخ» خواهیم پرداخت و وجوه افتراق و اشتراک هر یک را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۲-۱. تمییز ابطال قضائی از بطلان

اگر انشاءکننده شرایط اساسی رکنی عقد (که قابل جبران نیستند) را در زمان انعقاد آن رعایت نکند، عقد خودبه‌خود باطل است، اما ابطال عقد برحسب موجبات و علل دیگری است که خارج از انشاء عقد بوده و ارتباط به نفس انعقاد عقد و رعایت شرایط اساسی رکنی آن نخواهد داشت (نهادندی غروی، ۱۳۳۵: ۱۵) و قانونگذار برای نقض قواعد مربوط به حمایت از شخص یا اشخاص معینی امکان درخواست ابطال عقد از مرجع قضائی صالح را در نظر گرفته و به همین جهت سرنوشت عقد را فقط در اختیار ایشان قرار داده و تا زمانی که ذی‌نفع تعرضی نسبت به قرارداد ننماید، قرارداد صحیح بوده و تمام آثار خود را بر جای می‌گذارد (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۴۵). به عبارت دیگر در ابطال قضائی برخلاف بطلان، عقد با رعایت تمامی شرایط اساسی رکنی به صورت صحیح منعقد شده و سپس به حکم مقام قضائی باطل می‌گردد. در نتیجه در بطلان عقد، محاکم بدون استناد طرف مقابل مکلف به تأیید آن عقد باطل در دعوی می‌باشند، اما در ابطال، حق ندارند بدون استناد طرف ذی‌نفع آن را در دعوی بلا تأثیر بدانند (نهادندی غروی، ۱۳۳۵: ۱۵). به علاوه همیشه اثر بطلان قرارداد، قهقراپی است؛ در واقع بطلان در حقوق ایران (که معادل بطلان مطلق در حقوق فرانسه است) همیشه به گذشته سرایت می‌کند و آثار عقد را از ابتدا از بین می‌برد، همچنین است ابطال قضائی عمل حقوقی باطل در حقوق فرانسه و در این راستا ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی تعهدات فرانسه ۲۰۱۶ اذعان می‌دارد: «...قرارداد باطل (اعم از مطلق و نسبی)، گویی هرگز وجود نداشته است...» اما اثر ابطال قضائی در حقوق ایران، ناظر به آینده است که در مبحث دوم این نوشتار بررسی خواهد شد.

۱-۱-۲-۲. تمییز ابطال قضائی از رد در عدم نفوذ

عقد غیر نافذ، عقدی است که واجد شرایط اساسی رکنی عقد است، لیک تأثیر آن منوط به کمال علت تأمه عقد است. گاهی شرایط اساسی غیر رکنی عقد وجود ندارد (عدم نفوذ موقوف) و گاهی مقتضی کامل است، لیک وجود مانع (حق ثالث) از تأثیر عقد جلوگیری می‌کند (عدم نفوذ مراعی) (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). به اعتقاد برخی از حقوق دانان وضعیت عدم نفوذ (موقوف) در حقوق ایران معادل بطلان نسبی در حقوق فرانسه است؛ با این تفاوت که وضعیت بطلان نسبی در حقوق فرانسه

نیازمند ابطال قضائی توسط محکمه می‌باشد، اما رد معامله در عدم نفوذ موقوف نیازی به حکم قضائی ندارد (خوبیاری، ۱۳۹۹: ۱۰۳). بنابراین این دو از این جهت که در صورت رد (در عقد غیرنافذ) و ابطال (در مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه که در بند دوم خواهد آمد) معامله فاقد اثر می‌شود و همچنین از جهت امکان تنفیذ و تأیید توسط ذی‌نفع (که شخص مورد حمایت قانونگذار می‌باشد) به یکدیگر شبیه هستند (کریمی و ایزدپناه، ۱۴۰۰: ۲۸۴)، اما مهم‌ترین تفاوت آن‌ها در مداخله مقام قضائی در ابطال معامله می‌باشد (Marity & Raynaud, 1988: 222)، برخلاف وضعیت عدم نفوذ که ذی‌نفع برای رد معامله نیازی به رجوع به دادگاه ندارد. همچنین برخلاف اثر کشفی رد در عدم نفوذ، اثر ابطال در حقوق ایران ناظر به آینده است.

۱-۲-۳. تمییز ابطال قضائی از انفساخ

هرگاه عقده به‌طور صحیح منعقد گردد و سپس به سببی از اسباب و بدون تأثیر قهقرایی، منحل شود و در این انحلال اراده متعاقدين دخالتی نداشته باشد، یا رابطه ناشی از عقد بدون کاربرد قصد عاقد یا متعاقدين، به حکم قانون و یا عرف گسیخته شود و عقد از بین برود، به آن انفساخ می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۹۱). به عبارت دیگر انفساخ، وضعیت یک قرارداد صحیح است که به دلیل وقوع یک حادثه خارجی اجرای آن غیرممکن می‌شود یا در عقود مستمر به علت از بین رفتن یکی از شرایط اساسی انعقاد معامله در طول قرارداد، عقد منحل می‌گردد (Picod, 200: 12). در حقوق فرانسه همین مفهوم تحت عنوان *caducité* در مواد ۱۱۸۶ و ۱۱۸۷ قانون مدنی در بخش تعهدات ۲۰۱۶ به کار رفته است. ابطال قضائی در حقوق فرانسه واجد اثر قهقرایی می‌باشد و عقد را از ابتدا بی‌اثر می‌کند و بنابراین در این مورد شباهتی میان نهاد *Annulation* و *caducité* در این نظام مشاهده نمی‌شود، اما در حقوق ما از آنجایی که اثر ابطال ناظر به آینده است و به گذشته معطوف نمی‌شود (در ادامه خواهد آمد)، این نهاد اثری شبیه به انفساخ به دنبال دارد، اما باید توجه کرد که یکسان بودن اثر، موجب یکسان بودن ماهیت آن دو نمی‌شود؛ ابطال، عمل قضائی است که توسط دادگاه صالح انجام می‌شود و در نتیجه آن عمل حقوقی یا سندی که مطابق تشریفات قانونی منعقد و تنظیم نشده، نسبت به آینده بی‌اثر می‌شود، در حالی که انفساخ از موارد انحلال قهری قرارداد می‌باشد و از اسباب سقوط تعهد به شمار می‌آید؛ همچنین ابطال باید توسط ذی‌نفع از محکمه خواسته شود و دادگاه رأساً نمی‌تواند آن را اعمال کند. اما در انفساخ اراده طرفین یا یکی از آن‌ها در انحلال اعمال حقوقی هیچ نقشی نداشته و رضایت آن‌ها در ابقاء یا انحلال بی‌فایده است، به علاوه اینکه مصادیق این دو نهاد در نظام حقوقی ما متفاوت است.

۲-۱. مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

ابطال قضائی در حقوقی فرانسه جزء لاینفک هر قراردادی است که دچار وضعیت بطلان (اعم از مطلق و نسبی) است و لذا به‌عنوان قاعده‌ای عمومی از دیرباز مورد پذیرش واقع شده و صرفاً در اصلاحات جدید قانون مدنی فرانسه در بخش تعهدات ۲۰۱۶، یک استثنا بر آن وارد شده است؛ در حالی که این مسئله در حقوق ایران به‌عنوان قاعده‌ای عمومی مورد قبول نیست و ضروری است مصادیق آن به‌صورت استثنایی و حصری برشمرده شود. بنابراین در این بند، مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه تبیین خواهد شد.

۱-۲-۱. مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران

از نظر ما، حکم وضعی قابلیت ابطال در حقوق ایران قابل پذیرش نیست؛ در حقیقت مصادیقی که در مقالات گوناگون به‌عنوان عمل حقوقی قابل ابطال معرفی شده‌اند (از جمله ماده ۱۳۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، ماده ۱۷۹ قانون دریایی، ماده ۸۰۸ قانون مدنی در مورد اخذ به شفعه)، با نهاد بومی «عدم نفوذ مراعی» قابل تطبیق می‌باشند و نیازی به ورود نهاد نامأنوس قابلیت ابطال از حقوق اروپایی به حقوق ایران وجود ندارد. بنابراین در این قسمت به‌صورت حصری مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران بررسی خواهد شد.

۱-۲-۱-۱. مصادیق ابطال قضائی در موارد عدم نفوذ مراعی

عدم نفوذ مراعی (که معادل بطلان نسبی در حقوق فرانسه می‌باشد و در مصادیق ابطال قضائی در حقوق فرانسه به آن پرداخته خواهد شد) در مواردی اعمال می‌شود که قراردادی به زیان شخص ثالث منعقد شود و طلب یا مالکیت بالقوه او را نادیده بگیرد؛ در این موارد برخلاف عقد موقوف، عقد مراعی برای نافذ شدن نیازمند اجازه کسی که حقی در موضوع قرارداد دارد نیست، بلکه تأمین بعدی حقوق وی، موجب کمال و صحت قرارداد خواهد شد و باید بر این نظر بود که در این‌گونه موارد قرارداد خودبه‌خود نافذ می‌شود؛ حتی اگر شخص ذی‌نفع، قرارداد غیر نافذ مراعی را رد کرده باشد (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۵۷). به‌عنوان مثال در جایی که راهن مورد رهن را می‌فروشد، شرایط لازم برای انعقاد عقد وجود دارد و فقط تعلق حق شخص ثالث مانع نفوذ آن می‌شود، بنابراین هرگاه مانع مرتفع گردد، به حکم عقل باید عقد مزبور مؤثر واقع شود، حتی اگر طلبکار به معامله رضایت ندهد و چه‌بسا آن را رد کرده باشد؛ به‌عبارت دیگر رد شخص ثالث تا جایی معتبر است که او بخواهد از حق خود استفاده کند، وگرنه صرف رد او موجب بطلان معامله معارض نخواهد شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۰۵). درواقع در این موارد طبق اصل صحت و اصل عدم زیادت، باید به ضمانت اجرای خفیف‌تر، که برای

حفظ حقوق اشخاص ثالث باشد، بسنده کرد.

اما اگر حق شخص ثالث تأمین نگردد و وی حقی را که بر مورد معامله دارد، اجرا کند، بررسی وضعیت حقوقی عقد سابق اهمیت پیدا می‌کند. صرف نظر از ضمانت اجرای مترتب بر معامله در حالت عدم نفوذ مراعی، آنچه به موضوع نوشتار حاضر مرتبط می‌شود، شیوه اعمال حق ثالث است؛ در این حالت در صورتی که قانونگذار برای اعمال حق ثالث شیوه‌ای معین کرده باشد، همان متبع است؛ از جمله در اخذ به شفعه موضوع مواد ۸۲۴-۸۰۸ قانون مدنی که گفته شده حق شفعه، «حق تملک قهری حصه شریک از خریدار است»، بدین معنا که شفیع می‌تواند بدون نیاز به الزام خریدار حق خود را به طور مستقیم اعمال کند و آنچه از دادگاه می‌خواهد، اعلام درستی و نفوذ اخذ به شفعه است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۵۴)؛ به عبارت دیگر حکم دادگاه در مورد الزام خریدار به انتقال سهم جنبه اعلامی دارد. در این موارد تصرفات خریدار قبل از اخذ به شفعه صحیح است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۵۲) و نمائی که در مبیع حاصل شده در صورتی که منفصل باشد، مال مشتری است.

اما در سایر مواردی که مقنن شیوه خاصی برای اعمال حق ثالث در نظر نگرفته، رجوع به دادگاه صالح و درخواست ابطال معامله معارض توسط ذی‌نفع از دادرسی ضروری می‌نماید؛ از جمله این موارد می‌توان به حکم مقرر در ماده ۸۷۱ قانون مدنی اشاره کرد که در باب معامله نسبت به اعیان ترکه مقرر می‌دارد: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفا تأذیه نشده است، معاملات مزبور نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را به هم بزنند.» در همین راستا ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی نیز اذعان می‌کند: «تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش، صلح، هبه و غیره نافذ نیست؛ مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا ادای دیون» پس معامله مادام که پرداخت دین یا اجازه بستانکار صورت نگرفته، غیر نافذ مراعی است و در صورتی که دین طلبکاران پرداخت شود، معامله نافذ می‌شود ولی اگر دیون متوفی پرداخت نشود و اجازه نیز محقق نگردد، در صورت انتقال تمام یا بخشی از ترکه به دیگری، طلبکاران می‌توانند تقاضای ابطال این معامله را نمایند. نتیجه آنکه وراثت مخیرند بعد از تصرفات ناقله در اعیان ترکه یا نسبت به ادای دیون متوفی از مال شخصی خود یا از ترکه اقدام نمایند و با این کار جلوی ابطال معامله با ثالث را بگیرند و یا اینکه در صورت عدم پرداخت دیون، سرنوشت

۱. برخی از حقوق دانان با استناد به اینکه متعاملین نمی‌توانند به عدم نفوذ معامله استناد کنند، گفته‌اند که معامله بین دو طرف نافذ و در مقابل طلبکاران «غیر قابل استناد» است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۵۴۲)؛ اما نهاد عدم قابلیت استناد که با ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح inopposabilité وارد نظام حقوقی ایران شده، با وجود نهاد عدم نفوذ مراعی کارایی ندارد و پیشنهاد می‌شود اصطلاح اخیر به عنوان معادل بومی آن به کار گرفته شود (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

عقد را در مورد رد یا تنفیذ معامله به دست طلبکاران بسپارند که در فرضی که طلبکاران مایل به برهم‌زدن معامله و رد آن باشند، چاره‌ای جز رجوع به محکمه صالح و درخواست ابطال معامله معارض را ندارند. در صورت اقامه دعوا توسط طلبکاران، پرداخت دین در هر مرحله‌ای از رسیدگی (ولو در مرحله تجدیدنظر و بعد از صدور حکم قطعی تا قبل از اجرا)، معامله را تنفیذ می‌کند و جلوی اجرای حکم قطعی را خواهد گرفت و تنها اجرای حکم قطعی در اجرای احکام است که به ابطال معامله منجر می‌شود و آثار ابطال از این زمان بر معامله بار می‌شود؛ درواقع در معاملات با وضعیت عدم نفوذ مراعی، شرایط صحت عمل حقوقی میان طرفین کامل است و تنها وجود حق ثالث مانعی بر تأثیر تمام و کمال معامله میان اطراف آن می‌باشد، بنابراین "إذا زال المانع عاد الممنوع" و این ویژگی، مشترک میان تمامی معاملات غیرنافذ مراعی است. در همین راستا در حکم شماره ۱۸۸۲ مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۲۱ شعبه هفتم دیوان عالی کشور مقرر شده: «وراث ... در صورتی که حاضر باشند دین را از بهای ملک فروخته شده یا از جای دیگری ادا نمایند، ابطال معامله ضرورت نخواهد داشت.» (متین، ۱۳۸۱: ۱۳۱) از دیگر مصادیق این وضعیت می‌توان به ماده ۴۲۴ قانون تجارت اشاره کرد که بیان می‌دارد: «هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آن‌ها، ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است، مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد، دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.» این ماده بیانگر وضعیت معاملات تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف و با هدف فرار از ادای دین یا اضرار به طلبکارها می‌باشد که درواقع مصداق دیگری از معاملات غیر نافذ مراعی است و به نظر می‌رسد قانونگذار با استفاده از واژه «فسخ»، ابطال قضائی قرارداد را اراده کرده است.

در نتیجه در حقوق ایران و در مصادیقی از معاملات غیرنافذ مراعی، که قانونگذار شیوه خاصی برای اعمال حق ثالث مشخص نکرده باشد (مانند مثال اخیرالذکر)، درخواست ابطال معامله منافی با حق ثالث از دادگاه ضروری جلوه می‌نماید و از زمان اجرای رأی دادگاه است که معامله باطل می‌شود و آثار و احکام بطلان بر آن بار می‌شود.

۱-۲-۲-۱. ابطال اسناد رسمی

اعتبار اسناد رسمی از مهم‌ترین آثار آن است، اما ناگزیر در پاره‌ای از موارد امکان عدول از این ارزش و اعتبار اسناد رسمی از طریق تقاضای ابطال آن‌ها از مراجع صلاحیت‌دار تجویز شده است (پور

رحیم قورقچی، ۱۳۹۵: ۱۱). به عبارت دیگر در اسناد رسمی اصالت سند، مفروض است (و همین ویژگی آن را از اسناد عادی متمایز می‌کند و باعث می‌شود اظهار انکار و تردید در این اسناد ممکن نباشد) و در برخی موارد این اصالت، توسط مقام صالح ثبتی یا قضائی سلب می‌شود و سند رسمی اعتبار خود را از دست می‌دهد. برخلاف نظر عده‌ای که چنین تصور کرده‌اند که از نظر منطقی و اعتباری به حکم قانونگذار اسناد رسمی را باید مطلقاً ابطال‌پذیر دانست (و این ابطال‌پذیری به هیچ وجه موجب تضعیف اعتبار اسناد رسمی نمی‌شود؛ بلکه ارزش اثبات‌کننده آن را تثبیت می‌کند، چرا که ارزش و توان اثبات‌کنندگی هر دلیلی منوط به ابطال‌پذیری آن می‌باشد) (پور بدخشان، ۱۳۹۱: ۱۲۹)، اما از نظر منطقی و براساس اصول حقوقی نباید اسناد رسمی را مطلقاً ابطال‌پذیر دانست و این اسناد صرفاً در موارد خاصی قابل ابطال از سوی مراجع ثبتی (که از موضوع این نوشتار خارج است) و مراجع قاضی خواهند بود. به عنوان مثال ابطال سند ممکن است به این علت باشد که سند مطابق مقررات مربوط به آن صادر نشده است؛ همچنین ممکن است بی اعتباری سند به علت بطلان معامله‌ای باشد که سند حاکی از وقوع آن است یا ممکن است سند، به علت انتفای تعهد موضوع آن یا جعلیت اعم از جعل مادی و مفادی از اعتبار ساقط شود.^۱ بنابراین مطابق مطالب پیشین، دعوی ابطال سند رسمی، به دعوای اطلاق می‌شود که به خواسته خواهان، یک سند رسمی (که به عنوان مثال حکایت از مالکیت شخصی نسبت به ملکی معین دارد)، بنا به دلایلی با صدور حکم دادگاه ابطال و بلا اثر می‌گردد. پس از حکم دادگاه، سند محکوم به بطلان، توسط دادگاه ضبط و معدوم می‌گردد و شخص مدعی باید پس از طی تشریفات قانونی، اقدام به اخذ مجدد آن کند (عسگری کاجی، ۱۳۹۷: ۴۲).

۱-۲-۲. مصادیق ابطال قضائی در حقوق فرانسه

در این قسمت به بررسی قاعده عمومی لزوم ابطال قضائی اعمال حقوقی باطل و استثنای آن در اصلاحات قانون مدنی فرانسه در بخش تعهدات ۲۰۱۶ خواهیم پرداخت.

۱-۲-۲-۱. قاعده عمومی ابطال قضائی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه «بطلان ۲»، به عنوان یکی از ضمانت اجرای نقض قواعد و مقررات مربوط به تشکیل عقود و قراردادها محسوب می‌گردد؛ ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی ۲۰۱۶ فرانسه در این خصوص

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

عظیمی، منصور (۱۳۹۱). تحلیل حقوقی موارد ابطال اسناد رسمی، پایان جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

اذعان می‌کند: «قراردادی که شرایط لازم برای اعتبار (صحت) آن وجود نداشته باشد، باطل است...». درواقع بطلان، یکی از وضعیت‌های حقوقی حاکم بر عقد است که به موجب آن به علت فقد یک یا چند عنصر تشکیل‌دهنده، قرارداد به صورت قهقراپی از بین می‌رود (Debard, 2019: V). بنابراین دو ویژگی ممتاز بطلان که آن را از سایر ضمانت اجرای حاکم بر قرارداد متمایز می‌کند عبارت است از: یکم- بطلان در پی عدم رعایت شرایط اساسی صحت معامله رخ می‌دهد. دوم- بطلان اثر قهقراپی دارد (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۱۳). به طور سنتی، در حقوق فرانسه، بطلان به دو قسم «بطلان مطلق»^۱ و «بطلان نسبی»^۲ تقسیم می‌گردد. مطابق معیار نوین مندرج در ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی فرانسه، اگر قرارداد در تعارض با منافع عمومی باشد بطلان از نوع مطلق (معادل بطلان رایج در حقوق ایران) و اگر در تعارض با منافع خصوصی اشخاص باشد، بطلان از نوع نسبی (معادل عدم نفوذ مراعی در حقوق ایران) است (Terré et al, 2009:107). درواقع برای تشخیص اینکه بطلان از نوع بطلان مطلق است یا نسبی، باید به هدف قاعده‌ای که نادیده گرفته شده توجه نمود؛ بدین توضیح که اگر هدف قاعده نقض شده حفظ منافع عامه باشد، بطلان، از نوع بطلان مطلق است اما اگر هدف آن قاعده حفظ منافع خصوصی باشد، بطلان از نوع بطلان نسبی خواهد بود و قانونگذار به فرد مورد حمایت که از آن وضعیت متضرر گردیده، حق ابطال قرارداد را داده است (Flour et al, 2008:285)؛ درواقع بطلان نسبی به کمک و یاری فرد ضعیف و ناتوان می‌آید و یکی از طرفین معامله که زیان می‌برد می‌تواند یا عقد را تأیید کند یا ابطال آن را از دادگاه صالح درخواست کند.

مطابق دیدگاه سنتی در حقوق فرانسه، در هر موردی که معامله باطل است (اعم از بطلان مطلق و نسبی)، ابطال آن باید از دادگاه خواسته شود؛ امری که در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی تعهدات ۲۰۱۶ فرانسه نیز منعکس شده: «...این بطلان باید توسط قاضی دادگاه اعلام شود...». بنابراین بطلان همواره توسط حکم دادگاه محقق می‌شود و قراردادی که دارای شرایط صحت نیست، به خودی خود باطل نمی‌شود، بلکه بطلان آن باید توسط قاضی اعلام شود. حقوق دانان فرانسه علت ضروری بودن حکم دادگاه برای بطلان را در این مسئله می‌دانند که ازسویی، بالأخره ظاهری هرچند تصنعی از قرارداد باطل، ایجاد شده که لازم است از بین برود و اماره صحت دگرگون شده و ازسوی دیگر، از آنجا که هیچ کس نباید دادرس خود باشد، مراجعه به دادگاه در موارد بطلان، ضروری جلوه می‌نماید (Flour et al, 2002:240). البته مطابق با مواد ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱، این بطلان بسته به مطلق یا نسبی بودن آن باید به درخواست ذی‌نفع یا مدعی‌العموم و یا شخصی که قانون قصد حمایت از وی را دارد مورد حکم واقع می‌شود. درواقع در این قانون این امکان که قاضی دادگاه

1. Nullité absolute.

2. Nullité relative.

رأساً بتواند حکم به بطلان بدهد، پیش‌بینی نشده است (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۱۴). در نتیجه در حقوق فرانسه برای استناد به بطلان دو طریق وجود دارد: ۱- طرح دعوی ابطال قرارداد توسط ذی‌نفع به‌عنوان خواهان برای رسیدن به حق خود و ۲- ایراد به آن در صورتی که باتوجه به عدم ایفای تعهدات، وی در جایگاه خواننده قرار گرفته باشد که در این صورت در برابر خواهان می‌تواند به بطلان قرارداد استناد نماید و خواهان را در دعوایش ناکام نماید (انصاری‌پور، ۱۴۰۰: ۵۰).

۱-۲-۲. استثناء قاعده عمومی ابطال قضائی در حقوق فرانسه

همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد، قراردادی که به دلیل نبود شرایط صحت محکوم به بطلان است، به‌خودی‌خود باطل نمی‌شود، بلکه این بطلان باید توسط قاضی دادگاه اعلام شود. این قاعده‌ای بود که قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاحات مواد مرتبط به حقوق تعهدات خود در سال ۲۰۱۶ مقرر کرده بود و استثنایی نیز برای آن قائل نشده بود. اما قانونگذار فرانسوی باتوجه به غیر معقول‌بودن این حکم و آثار نامطلوب آن، در قانون جدید ضمن بیان قاعده عمومی سابق، استثنایی برای این حکم مقرر کرده و در ماده ۱۱۷۸ بیان داشته است: «... مگر اینکه طرفین در مورد آن توافق داشته باشند.» بنابراین در قانون جدید فرانسه در صورتی که طرفین بر بطلان توافق داشته باشند، قرارداد به‌خودی‌خود باطل است و دیگر نیازی به ابطال قضائی قرارداد و اعلام آن توسط قاضی نیست. در نتیجه در حقوق فرانسه، مطابق قاعده عمومی بطلان، قضائی ۱ است و دخالت قاضی برای ابطال قرارداد و اعلام آن ضروری جلوه می‌نماید، مگر طرفین بر بطلان قرارداد توافق داشته باشند که در این صورت بطلان، قراردادی ۲ است و ضرورتی برای دخالت مقام قضائی در این موارد وجود ندارد. ۳

۲. اثر ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

پس از شناخت مفهوم ابطال قضائی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه و بیان تعاریف و مصادیق، ضروری است با آثار اختصاصی و اشتراکی این نهاد در دو نظام حقوقی آشنا شویم، زیرا مطالعه تطبیقی بدون بررسی آثار نهاد موردنظر اثربخش نخواهد بود.

۱-۲-۱. آثار مشترک ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

ابطال قضائی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه ماهیت یکسان و مشترکی دارد و به‌تبع آثار مشترکی

1. nullité judiciaire

2. nullité conventionnelle

3. "Article 1178 du Code civil - La nullité du contrat", (2021), available at : <https://www.doc-du-juriste.com/droit-prive-et-contrat/droit-civil/commentaire-article/article-1178-code-civil-nullite-contrat-632154.html>

نیز در هر دو نظام به همراه خواهد داشت. در این بند به بررسی آثار مشترک ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱. نفوذ عمل حقوقی پیش از تقاضای ابطال توسط ذی‌نفع

نفوذ عمل حقوقی پیش از تقاضای ابطال توسط ذی‌حق مورد اتفاق حقوق‌دانان است (Beatson et al, 2010: 22). با این توضیح که در مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه (که در بند دوم مبحث اول مورد اشاره قرار گرفت) این امکان که قاضی دادگاه رأساً بتواند حکم به بطلان بدهد، پیش‌بینی نشده و ذی‌نفع درخواست ابطال قرارداد که بسته به موارد مختلف متفاوت است، می‌بایست ابطال عمل حقوقی را از دادگاه درخواست کند؛ لذا تا پیش از درخواست ذی‌نفع و صدور حکم ابطال توسط دادگاه، عمل حقوقی به قوت باقی است و در وضعیت صحت قرار دارد و در نتیجه تمامی آثار خود را برجای می‌گذارد. به‌عنوان مثال «معامله نسبت به اعیان ترکه پیش از ادای دیون متوفی» در حقوق ایران و «عقد باطل نسبی» در حقوق فرانسه دارای دو مرحله هستند: در مرحله اول، عقد از وجود قانونی برخوردار است و آثار عقد صحیح را به دنبال دارد. در مرحله دوم، عقد ممکن است با اجازه ذی‌نفع روبه‌رو گردد که آثار عقد صحیح ادامه خواهد یافت یا با ابطال مواجه گردد که در این حالت، عقد از بین می‌رود و باطل می‌شود (کریمی و ایزدپناه، ۱۴۰۰: ۲۸۲)؛ پس تا پیش از ابطال قضائی، عقد از نفوذ حقوقی برخوردار می‌باشد.

۲-۲-۱. انقلاب وضعیت

در قسمت الف بند یکم در باب تعریف ابطال قضائی بیان شد که این نهاد بدین معناست که عملی که در ظاهر معتبر و صحیح به نظر می‌رسد، با درخواست یک یا هر دو طرف قرارداد توسط مقام قضائی باطل می‌شود و دادگاه آن را کنار می‌گذارد. در نتیجه عمل حقوقی صحیح تبدیل به باطل می‌شود و این از آثار مشترک ابطال قضائی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه می‌باشد. در حقوق ایران، به اعتقاد برخی حقوق‌دانان انقلاب وضعیت صحیح به باطل، امکان‌پذیر نیست؛ به‌عنوان مثال یکی از حقوق‌دانان اذعان می‌دارد: «عقدی که به‌طور صحیح واقع شده، نمی‌توان آن را بلااثر گردانید...» (امامی، ۱۳۷۶: ۷۶) و در قسمتی دیگر نیز بیان می‌کند: «نمی‌تواند امر مؤخر

۱. ممکن است این ایراد مطرح شود که معامله نسبت به اعیان ترکه پیش از ادای دیون متوفی، مصادیقی از معامله در وضعیت عدم نفوذ مراعی است و در عدم نفوذ، عقد مانند بیماری است که اثری بر آن مترتب نیست؛ اما باید توجه داشت که مطابق نظر برخی از حقوق‌دانان، عقد غیرنافذ از مصادیق عقد صحیح می‌باشد اما صحت آن تأهلی است نه فعلی.

موجب بطلان عقد مقدّم گردد...» (همان) همین اشکال در علم فلسفه تحت عنوان «انقلاب ذات» مطرح شده است، بدین معنا که اغلب فلاسفه معتقدند انقلاب ماهیات از نظر جوهری ممکن نیست (مطهری، ۱۳۷۱: ۴۳۹). هرچند در پاسخ ممکن است گفته شود که عقد از سنخ ماهیت نبوده و از جنس مفهوم است، اما باین وجود فلاسفه متفق‌اند که شیء (اعم از مفهوم و ماهیت) می‌تواند (صرفاً) در دو زمان دارای دو ذات، دو ماهیت و دو جنس و فصل باشد (ملاصدرا، ۱۴۰۱ق؛ ۳۶۸). بنابراین بعضی معتقدند با استدلالات اخیر، ابطال عمل یا واقعه حقوقی حتی به‌طور استثنائی نیز در سیستم حقوقی ایران و فقه اسلامی مورد پذیرش قرار نگرفته است (شهیدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۴). اما به‌نظر می‌رسد این گروه به تفاوت میان عالم حقیقت و عالم اعتبار نظر نداشته و به اینکه حقوق عالم اعتبار است، بی‌توجه بوده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ابطال قضائی، اگرچه به‌عنوان یک قاعده عمومی (همانند حقوق فرانسه) در حقوق ایران مورد پذیرش واقع نشده است، اما به‌طور اجمالی و در مصادیقی که در قسمت الف بند دوم مورد اشاره واقع شد، مورد پذیرش است و ایرادات محال‌بودن انقلاب ذات نمی‌تواند خدشه‌ای به این مسئله در عالم اعتبار وارد کند. مضافاً اینکه همین ایراد در عقود غیرنافذ نیز مطرح است، چراکه عقود غیرنافذ در اغلب دسته‌بندی‌های حقوق‌دانان و فقها، ذیل عقد صحیح قرار گرفته است و پس از رد به عقد باطل تبدیل می‌شود، در حالی که هیچ‌کس به این عقود خدشه‌ای وارد نکرده است.

در حقوق فرانسه نیز انقلاب وضعیت در بطلان نسبی قابل مشاهده است، بدین معنا که عقد باطل نسبی تا زمانی که توسط دادگاه و به درخواست ذی‌نفع مورد تعرض واقع نشده، دارای اعتبار و صحیح بوده و کلیه آثار خود را برجای می‌گذارد، اما اگر ابطال قرارداد به درخواست ذی‌نفع (در مهلت مقرر) از سوی دادگاه تأیید شود، قرارداد باطل گشته و آثار خود را از دست می‌دهد. در نتیجه و مطابق مطالب اخیرالذکر، «انقلاب وضعیت از صحیح به باطل» از آثار مشترک ابطال قضائی در حقوق فرانسه و ایران است.

۲-۳-۱. مسئولیت ناشی از ابطال

منظور از مسئولیت ناشی از ابطال، از سویی استرداد آن چیزی است که هریک از طرفین در اثر قرارداد باطل به دست آورده و از سویی دیگر، جبران خسارات ناشی از ابطال با رعایت قواعد مسئولیت مدنی است.

۲-۳-۱-۱. استرداد عین یا اعاده وضعیت سابق

عقد باطل در عالم حقوق تحقق پیدا نمی‌کند تا بتواند منشأ آثار حقوقی باشد، اما در موارد استثنائی آثاری بر آن بار می‌شود. برخی از این آثار، آثار عقد صحیح است که نسبت به عقد باطل نیز جاری

می‌شود (ازجمله در قاعده حقوقی ما یضمن بصحیح یضمن بفاسد) و برخی از آن‌ها نیز از آثار خود عقد باطل است، درواقع عقد باطل می‌تواند تکلیف و تعهداتی را برای طرفین ایجاد کند که منشأ آن قراردادی نیست بلکه حقوق و تکالیفی است که قانونگذار برعهده اشخاص قرار می‌دهد (طالب احمدی و نقوی، ۱۳۹۸: ۱۱۱). طبیعی است، چنانچه قرارداد اجرا نشده باشد، استرداد یا اعاده منتفی است، اما اگر قرارداد کلاً یا جزئاً اجرا شده باشد، اصولاً هریک از طرفین باید آنچه را که تحصیل کرده، مسترد نماید. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ در این رابطه بیان می‌کند: «... پرداخت‌های انجام‌شده نیز تحت شرایط مقرر در مواد ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۲-۹ مسترد می‌شوند...». در حقوق فرانسه برای این مسئله مبانی مختلفی ذکر شده است، برخی از حقوق‌دانان فرانسوی مبنای استرداد را اثر قهقرای ابطال قلمداد کرده‌اند و معتقدند به دلیل سرایت اثر ابطال به گذشته، گویی از روز نخست قراردادی وجود نداشته و لذا ضروری است وضعیت سابق اعاده شود (Flour et al, 2002:274). اما به نظر می‌رسد چنین مبانی قابل پذیرش نباشد، زیرا در حقوق ایران نیز استرداد عین و اعاده به وضع سابق از آثار ابطال قضائی است، درحالی که به نظر ما ابطال اثر قهقرای ندارد و ناظر به آینده می‌باشد (در ادامه به تفصیل خواهد آمد). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این مسئله در حقوق فرانسه به قاعده «داراشدن ناعادلانه» (موضوع ماده ۱۳۰۳ قانون مدنی در بخش تعهدات ۲۰۱۶ فرانسه) باز می‌گردد؛ چون جهت و سبب قانونی برای دارا شدن در اثر ابطال، منتفی گردیده است. در حقوق ایران نیز برای این تکلیف می‌توان به مبنای اکل مال بباطل و ضمان ید اشاره نمود (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۶۶). به عنوان مثال پس از اینکه سند رسمی توسط دادگاه ابطال گردید، لزوماً ایجاب می‌نماید ابطال و اعاده سند به وضع سابق و صدور سند مالکیت جدید از سوی اداره ثبت اسناد و املاک به نام مالک واقعی صورت گیرد. در همین راستا ماده ۷ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب ۱۳۵۴ بیان می‌دارد: «هرگاه مدلول سند قبل از صدور حکم ابطال اجراء شده باشد، پس از قطعیت آن حکم عملیات اجرایی به حالت قبل از اجراء بر می‌گردد.»

۲-۳-۱-۲. مسئولیت مدنی ناشی از ابطال

طرفین قرارداد ممکن است در راستای انعقاد آن، هزینه‌ها، اقدامات و معاملاتی را انجام داده یا از موقعیت‌هایی صرف نظر کرده باشند که در فرض ابطال قرارداد، همه این موارد به صورت خسارت جلوه می‌کند (طالب احمدی و نقوی، ۱۳۹۸: ۱۰۹). بنابراین اگر ابطال قرارداد را بتوان به یکی از طرفین منتسب کرد، می‌توان او را مسئول جبران چنین خساراتی دانست. این مسئولیت، مدنی و مبنای آن تقصیر است؛ زیرا طرفی که علت ابطال، منتسب به اوست و با وجود آن، اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند،

مرتکب تقصیر شده است. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی جدید فرانسه در باب جبران این خسارات غیر قراردادی بیان می‌کند: «... فارغ از بطلان قرارداد، شخص زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت وارده را باتوجه به شرایط قواعد عمومی مسئولیت غیرقراردادی تقاضا نماید.» لذا مسئله جبران خسارات احتمالی ناشی از ابطال قرارداد نیز از مشترکات حقوق ایران و فرانسه در آثار ابطال قضائی می‌باشد که موضوع، مشمول قاعده عمومی مسئولیت مدنی در ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی جدید فرانسه و همچنین قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در حقوق ایران است که به موجب آن هر عملی که موجب خسارت به دیگری گردد، عامل آن را در صورت ارتکاب تقصیر، ملزم به جبران خسارت می‌نماید.

۲-۲. آثار اختصاصی ابطال قضائی در حقوق ایران و فرانسه

اگرچه ابطال قضائی در ماهیت در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه یکسان است و در نتیجه برخی از آثار آن مشترک است، اما تفاوت در مصادیق موجب شده تا این نهاد در هریک از این نظام‌های حقوقی آثار اختصاصی نیز به همراه داشته باشد که در این بند بررسی خواهد شد.

۲-۲-۱. اثر قهقرایی داشتن یا ناظر به آینده بودن ابطال قضائی

مهم‌ترین پرسش در اثر ابطال قضائی این نکته نهفته است که آیا ابطال به گذشته معطوف بوده و عقد را از ابتدا باطل می‌سازد، یا آنکه استعمال لفظ باطل، ناظر به آینده است؟ همان‌طور که گفته شد در حقوق فرانسه بطلان یکی از وضعیت‌های حقوقی حاکم بر عمل حقوقی تعریف شده است که به موجب آن به علت فقد یک یا چند عنصر تشکیل‌دهنده، عمل حقوقی به صورت قهقرایی از بین می‌رود؛ به عبارت دیگر اثر بطلان در حقوق فرانسه (اعم از مطلق و نسبی) قهقرایی است^۱ و به گذشته سرایت می‌کند و عمل حقوقی را از ابتدا از بین می‌برد. در همین راستا ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی فرانسه ۲۰۱۶ بیان می‌دارد: «... قرارداد باطل گویی هرگز وجود نداشته است...». در نتیجه در حقوق فرانسه زمانی است که دادگاه حکم به بطلان می‌دهد، عمل حقوقی نه تنها آثارش را نسبت به آینده از دست می‌دهد، بلکه اثر بطلان به گذشته نیز سرایت نموده و آن را از ابتدا فاقد هرگونه اثری می‌نماید. یکی از نوآوری‌های قانون جدید فرانسه، حکم مندرج در پاراگراف سوم ماده ۱۱۷۸، یعنی اثر قهقرایی ابطال عمل حقوقی نسبت به اشخاص ثالث می‌باشد؛ به این معنا که اگر حقوق انتقال‌دهنده باطل باشد، حقوق انتقال‌گیرنده نیز باطل خواهد بود (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۱۴). البته اصولاً بطلان نسبت به همگان مؤثر بوده و حتی تأثیر آن نسبت به اشخاص ثالث نیز مطابق قاعده است و نمی‌توان ضمن قیاس آثار بطلان قرارداد با آثار مستقیم قرارداد صحیح، قاعده اثر نسبی را در مورد بطلان نیز جاری

1. l'annulation est rétroactive.

ساخت، چون برخلاف قرارداد صحیح، بطلان اثر ایجابی ندارد (9: 1996, ^{Veaux}). این حکم که در قانون سابق فرانسه جایگاهی نداشت، در برخی موارد استثنایی نقض می‌شود و در برخی موارد اثر بطلان و ابطال قضائی نسبت به اشخاص ثالث منتفی است.^۱

اما در حقوق ایران مسئله به این روشنی نیست و در اثر قهقرایی داشتن و یا نداشتن ابطال قضائی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی حقوق‌دانان ابطال عمل حقوقی را ناظر به گذشته می‌دانند؛ مگر آنکه قانونگذار به دلایلی از جمله انتقال مورد معامله به خریدار با حسن‌نیت، عدم سرایت به گذشته را تصریح نماید (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۶۲). البته در صورتی که قائل به این دیدگاه باشیم، به‌نظر می‌رسد حتی در این موارد نیز اثر ابطال قضائی به گذشته سرایت می‌کند و فروشنده باید قیمت آنچه فروخته است را به طرف دیگر بدهد. مطابق دیدگاه این گروه ابطال، عمل حقوقی و تعهدات را معدوم می‌کند، به‌گونه‌ای که گویی از ابتدا هیچ قرارداد و یا عمل حقوقی وجود نداشته است.

اما اگر دقیق‌تر به مسئله بنگریم، خواهیم دید که در حقوق ایران نمی‌توان بر ابطال قضائی عمل حقوقی، اثر قهقرایی بار کرد و آن را از ابتدا بی‌اثر دانست؛ با این توضیح که همان‌طور که در قسمت الف بند دوم اشاره شد، مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران منحصر به برخی از مصادیق معاملات غیر نافذ مراعی و ابطال سند رسمی می‌باشد:

۱- در معاملات غیر نافذ مراعی در صورتی که قانونگذار شیوه خاصی برای اعمال حق ثالث در نظر نگرفته باشد (مانند معامله نسبت به ترکه، معامله نسبت به عین مرهونه، معامله ورشکسته، معامله معارض با قولنامه) درخواست ابطال قضائی عمل حقوقی از محکمه ضروری جلوه می‌نماید. در این راستا در صورت تقاضای ابطال از دادگاه توسط ثالث، اگر به هر طریقی و در هر مرحله‌ای از رسیدگی حق وی تأمین شود، عقد معارض قبلی خود به خود نافذ می‌شود و نیاز به تنفیذ شخص ثالث ندارد؛ اما اگر مانع مرتفع نگردد و حکم قطعی بر ابطال اجرا گردد، معامله از این زمان باطل می‌شود و احکام بطلان از این زمان بر آن بار می‌گردد. مطابق این دیدگاه ابطال با حکم دادگاه محقق شده و ناظر به آینده است و در گذشته اثر نمی‌کند؛ به‌عنوان مثال در معامله وراثت نسبت به ترکه در صورتی که حق دیان تأمین نگردد و یا اجازه آنان اخذ نشود و به حکم مقام قضائی معامله ابطال گردد، این ابطال اثر قهقرایی نداشته و در نتیجه منافع منفصل مال در این مدت از آن خریدار می‌باشد و نیازی به پرداخت اجرت‌المثل توسط او نیست. در نتیجه اگر مورد معامله باغ بوده، میوه‌های چیده شده باغ در مدت عقد تا زمان ابطال معامله توسط طلبکاران متعلق به خریدار می‌باشد. همچنین در معامله نسبت به عین مرهونه در صورت عدم اجازه معامله توسط مرتهن و عدم تأمین حق او

۱. برای مطالعه موارد استثنایی رجوع کنید به: (پاکباز، ۱۴۰۱: ۲۱۴)

توسط راهن و وقوع ابطال قضائی، منافع منفصل عین مرهونه تا قبل از اجرای حکم ابطال، متعلق به خریدار می‌باشد، زیرا در صورتی که مال فروخته نمی‌شد نیز مرتبه حق در منافع عین مرهونه نداشت و منافع متعلق به راهن بود، بنابراین در صورت فروش مال نیز منطقی است که منافع منفصل میان انعقاد عقد تا ابطال قضائی آن متعلق به خریدار مال باشد. همین مقرر در ماده ۸۱۹ قانون مدنی در باب اخذ به شفعه (به‌عنوان مصداقی از معاملات غیر نافذ مراعی) ذکر شده: «نمائی که قبل از اخذ به شفعه در مبیع حاصل می‌شود در صورتی که منفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متصل باشد مال شفیع است ولی مشتری می‌تواند بنائی را که کرده یا درختی را که کاشته قلع کند.» بنابراین اثر اخذ به شفعه ناظر به آینده می‌باشد. اگرچه اخذ به شفعه نیاز به ابطال قضائی ندارد (زیرا قانونگذار شیوه اعمال حق را مشخص کرده) و از این نظر از بحث ما خارج است، اما یکنواخت بودن آثار در مصادیق عدم نفوذ مراعی ایجاب می‌کند که در معاملات مشابه نیز اثر رد شخص ثالث (با هر شیوه‌ای) ناظر به آینده باشد و در گذشته اثر نکند.

۲- همان‌طور که بیان شد، اصالت اسناد رسمی در نظر قانونگذار مفروض است و ابطال آن به‌معنای سلب آن اصالت می‌باشد. یکی از شایع‌ترین موارد ابطال سند رسمی، بی اعتباری معامله‌ای است که سند رسمی حاکی از وقوع آن است و در این موارد خواسته ابطال سند رسمی با خواسته «اعلام بطلان معامله» همراه می‌شود. ممکن است چنین فرض شود که در این موارد ابطال سند اثر قهقرایی داشته و به گذشته سرایت می‌کند، اما این برداشت نادرست است. در واقع سرایت به گذشته و بی اعتباری از نقطه ابتدایی، نتیجه بطلان معامله پایه‌ای است که سند رسمی بر طبق آن صادر شده و این اثر قهقرایی بطلان، مطابق قواعد حقوقی است، اما اصالت مفروض سند رسمی با صدور حکم قطعی دادگاه سلب شده و اثر این حکم ناظر به آینده می‌باشد، ولو معامله مورد نظر از آغاز بی اعتبار شود.

بنابراین مطابق مطالب فوق، در مصادیق ابطال قضائی در حقوق ایران (برخلاف حقوق فرانسه) اثر ابطال همواره ناظر به آینده است و به گذشته سرایت نمی‌کند؛ از این جهت ابطال قضائی اثری شبیه به انفساخ دارد.

۲-۲-۲. اعلامی یا تأسیسی بودن حکم ابطال قضائی

همان‌طور که گفته شد در حقوق فرانسه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های بطلان اعم از مطلق و نسبی، نیازمندی به حکم دادگاه است و در این خصوص هیچ تردیدی وجود ندارد، اما تردید در خصیصه تأسیسی یا اعلامی بودن حکم دادگاه در این موارد است؛ طرفداران خصیصه اعلامی بودن حکم دادگاه به دو نکته اشاره می‌کنند: یکم، نقض قواعد در زمان انعقاد قرارداد رخ داده و از این جهت، بطلان مبتنی بر واقعه‌ای مربوط به گذشته است. دوم اثر قهقرایی ابطال با اعلامی بودن رأی دادگاه سازگاری بیشتری دارد. به نظر این گروه از حقوق‌دانان، رأی قضائی در مرحله ثبوت بطلان قرارداد تأثیری ندارد و صرفاً

برای اثبات تحقق آن ضروری می‌باشد (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۴). بنابراین به نظر این گروه حکم بطلان در حقوق فرانسه در هر حال اعلامی است، زیرا قاضی وقوع بطلان را احراز و اعلام می‌کند، هرچند دست او در احراز بطلان آزادتر است (ساعتچی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰). در مقابل، برخی دیگر از حقوق‌دانان فرانسه، اعتقاد به تأسیسی بودن حکم دادگاه دارند و تکیه بر این مطلب دارند که قراردادی که دارای شرایط صحت نیست، به خودی خود باطل نمی‌شود و این تصمیم قضائی است که با عمل حاکمیتی، آن را از بین می‌برد و برهمین اساس است که اینجا بیشتر سخن از ابطال است نه بطلان. درواقع صرف نقض قواعد مقرر قانونی در زمان انعقاد قرارداد، کافی برای اثبات اعلامی بودن حکم دادگاه مبنی بر بطلان نیست. به عبارت دیگر قواعد مزبور در زمان تشکیل قرارداد، شرط لازم برای بطلان عمل حقوقی است، اما شرط کافی نیست (محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۴۸).

می‌توان در جمع بین دو نظر بالا اذعان داشت که در حقوق فرانسه حکم ابطال قضائی از این نظر که اثر قهقرایی دارد و به گذشته سرایت می‌کند خصیصه‌ای اعلامی دارد، اما از این نظر که برای ابطال قرارداد، صدور حکم دادگاه ضروری است و قرارداد نمی‌تواند خودبه‌خود باطل شود، خصیصه‌ای تأسیسی دارد. در حقوق ایران نیز باتوجه به آنچه گفته شد در مواردی از معاملات عدم نفوذ مراعی (که قانونگذار شیوه خاصی برای اعمال حق شخص ثالث معین نکرده) و ابطال اسناد رسمی، حکم ابطال قضائی توسط دادگاه صالح ضروری است و این حکم ناظر به آینده است و اثر قهقرایی ندارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت حکم دادگاه در این موارد تأسیسی است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه تطبیقی که در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه به عمل آمد ملاحظه شد، در حقوق فرانسه قراردادی که دارای شرایط صحت نیست (بطلان مطلق و نسبی)، به خودی خود باطل نیست بلکه بطلان آن باید توسط قاضی اعلام شود. بر این قاعده عمومی در اصلاحات ۲۰۱۶ استثنایی وارد شده مبنی بر اینکه توافق طرفین می‌تواند لزوم مداخله مقام قضائی در ابطال معاملات باطل را منتفی کند، اما در حقوق ایران ابطال عمل حقوقی به عنوان قاعده عمومی همچون حقوق فرانسه پذیرفته نشده است، بلکه منحصراً در مصادیقی از معاملات غیرنافذ مراعی که قانونگذار برای اعمال حق شخص ثالث شیوه خاصی معین نکرده و ابطال اسناد رسمی قابل مشاهده است. با عنایت به اینکه ابطال قضائی در حقوق فرانسه و ایران در ماهیت یکسان است، آثار مشترکی از جمله نفوذ عمل حقوقی پیش از تقاضای ابطال توسط ذی‌نفع، انقلاب وضعیت، استرداد عین یا اعاده وضعیت سابق و مسئولیت مدنی ناشی از ابطال قضائی را در پی خواهد داشت؛ اما باتوجه به اینکه مصادیق این نهاد در دو نظام حقوقی مورد بحث

متفاوت است، بررسی آثار اختصاصی ابطال قضائی در هر یک از این نظام‌ها ضروری جلوه می‌نماید، ازجمله اینکه ابطال در حقوق فرانسه اثر قهقرایی دارد و عمل حقوقی را از ابتدا باطل می‌کند. در نتیجه حکم دادگاه از این جهت که مداخله مقام قضائی در ابطال ضروری می‌باشد، تأسیسی و از این جهت که اثر ابطال به گذشته سرایت می‌کند، خصیصه‌ای اعلامی دارد؛ اما در حقوق ایران ابطال قضائی اثر قهقرایی ندارد و همواره ناظر به آینده است (از این جهت به انفساخ نزدیک می‌شود) و در نتیجه حکم دادگاه در این موارد واجد خصیصه تأسیسی است، به عنوان مثال در معامله نسبت به ترکه در صورتی که حق ثالث تأمین نگردد یا ثالث قرارداد را اجازه نکند، با اجرای حکم مقام قضائی معامله ابطال می‌شود و از آنجا که اثر این ابطال ناظر به آینده است، منافع منفصل میان انعقاد معامله تا ابطال آن به حکم مقام قضائی متعلق به خریدار است.

به طور کلی در حقوق ایران مفهوم و آثار ابطال قضائی به درستی تبیین نگردیده است و این مسئله در رویه قضائی نیز جایگاه مشخصی ندارد و این امر حکایت از عدم شفافیت این عنوان در حقوق موضوعه و رویه قضائی ایران دارد. به نظر می‌رسد حقوق دانان ایرانی در مقام تحلیل نهاد ابطال قضائی و تمیز آن از مفاهیم مشابه، نسبت به وضعیت عدم نفوذ مراعی بی توجه بوده و همین امر سبب خلط برخی از مفاهیم در نظرات ایشان شده است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد همانند قانون مدنی فرانسه، این مسئله در قالب ماده‌ای گنجانده شود و ضمن به رسمیت شناختن وضعیت عدم نفوذ مراعی، قید گردد که «در مواردی که قانونگذار برای اعمال حق ثالث شیوه‌ای معین نکرده است، ابطال معامله باید به حکم مقام قضائی صالح محقق گردد. اثر ابطال قضائی ناظر به آینده می‌باشد.»

منابع

فارسی

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۶). حقوق مدنی، ج دوم، چ یازدهم، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- انصاری‌پور، محمدعلی؛ سوهانی، مجید (۱۴۰۰). «مفهوم قراردادهای قابل ابطال در حقوق انگلیس، فرانسه، ایران و فقه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی اسلام و غرب، ش ۲، تابستان، صص ۴۱-۶۶.
- پاکباز، سیامک (۱۴۰۱). شرح قانون مدنی فرانسه، چ دوم، تهران: نشر میزان.
- پوریدخشان، جعفر؛ درویش‌زاده، محمد (۱۳۹۱). عرض به سند، چ سوم، تهران: انتشارات جاودانه.
- پوررحیم قورقچی، مصطفی؛ امینی، منصور (۱۳۹۵). «ابطال اسناد رسمی مالکیت معارض، نحوه و آثار آن»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، ش ۳۰، زمستان، صص ۱۱-۳۹.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، چ اول، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). حقوق مدنی: رهن و صلح، چ سوم، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوق، چ سی و پنجم، تهران: گنج دانش.
- خوبیاری، حامد؛ رضی، پوریا (۱۳۹۹). «نقد وضعیت قابلیت ابطال قرارداد در حقوق ایران و تطبیق آن با حقوق کامن لا»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۲، تابستان، صص ۹۹-۱۲۸.
- ساعتچی، علی؛ محقق داماد، مصطفی؛ حقانی، سعید (۱۳۹۷). «بازخوانی جایگاه وضعیت استنادناپذیری اعمال حقوقی با نگاهی به حقوق فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۳، پاییز، صص ۱۱-۳۴.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد یکم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجد.
- صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۸، چ ۳، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- طالب‌احمدی، حبیب (۱۳۸۴). «معاملات قابل ابطال در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۳، پاییز، صص ۷۱-۹۲.
- طالب‌احمدی، حبیب؛ نقوی، امیرحسین (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، ش دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۹-۱۲۰.
- عسگری کاجی، منوچهر (۱۳۹۷). ابطال سند رسمی در قوانین و رویه قضائی، پایان‌نامه برای اخذ کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.
- عظیمی، منصور (۱۳۹۱). تحلیل حقوقی موارد ابطال اسناد رسمی، پایان برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چ چهل و یکم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). حقوق مدنی، درس‌هایی از شفعه، وصیت و ارث، چ بیست و پنجم، تهران: انتشارات میزان.
- کریمی، عباس (۱۳۹۱). «تلاشی برای ساماندهی نظریه عدم نفوذ مراعی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ش ۵۸، تابستان، صص ۱۵۷-۱۸۸.
- کریمی، عباس؛ ایزدپناه، غلامرضا (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه»،

- تمدن حقوقی، ش ۸، بهار و تابستان، صص ۲۸۰-۲۹۳.
- متین، احمد (۱۳۸۱). مجموعه رویه قضایی قسمت حقوقی، چ یکم، تهران: انتشارات رهام.
- محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، محمد مهدی (۱۳۸۹). «مفهوم و آثار بطلان نسبی»، مجله دانش و توسعه، ش ۳۳، زمستان، صص ۲۴۵-۲۷۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). حرکت و زمان در فلسفه اسلامی، چ یکم، چ یکم، تهران: انتشارات حکمت.

منابع عربی:

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۷، چ ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- نهاوندی غروی، مرتضی (۱۳۳۵). «بطلان و ابطال وصیت تملیکی»، کانون وکلا، ش ۴۸، صص ۱۵-۲۰.

منابع انگلیسی:

- “Article 1178 du Code civil - La nullité du contrat” (2021), available at : <https://www.doc-du-juriste.com/droit-prive-et-contrat/droit-civil/commentaire-article/article-1178-code-civil-nullite-contrat-632154.html>
- Beatson, Jack; Burrows, Andrew; Cartwright, John (2010). Anson's Law of Contract, 29th Ed, New York: Oxford University Press.
- Debard, Thierry; Guinchard, Serge (2018-2019). Lexique Des Termes Juridiques, 26th Edition, V.Nullité.
- DICTIONNAIRE DU DROIT PRIVÉ, available at: <https://www.dictionnairejuridique.com/definition/annulation.php#:~:text=D%C3%A9finition%20de%20Annulation&text=La%20disparition%20des%20effets%20d,r%C3%A8glementaire%20est%20une%20%22annulation%22>
- Flour, Jacques; Aubert, Jean-Luc; Savaux, Éric (2002). Les obligations, L'acte juridique, In A. Colin & Delta (Eds.), 2 Ed, Paris.
- Flour, Jacques; Aubert, Jean-Luc; Savaux, Éric (2008). Droit civil “Les obligation, 13 édition, Paris: Sirey.
- Marity, G.; Raynaud, P.) 1988(. Droit Civil, Les obligations, 2 Ed., Vol.1, Paris: Sirey.
- Mazeauds, H.L.e.j.; chabas, F (1985). Lecons de Droit civil, 7 Ed, vol.2. Paris: Editions Montchrestien.
- Picod, Yves (2004). Nullité, Rep.Civ, Dalloz, Paris.
- Terré, François; Simler, Philippe; Lequette, Yves (2009). Droit civil: Les obligations, 10 Ed., Paris.
- Veaux, D (1996). Jurisclasseur Civil, Fascicule, 124 Ed, Paris: Éditions du Juris-Classeur.